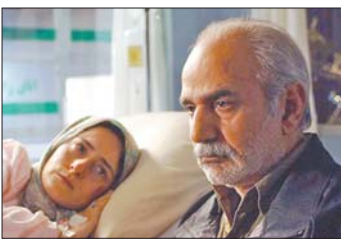


خیلی دور خیلی نزدیک

گزارش «شرق» از جشنواره «تورنتو»

فیلم «میر کریمی» هالیوودی است؟

امیر گنجوی*



● چندروزی از آغاز جشنواره فیلم تورنتو گذشته و دو فیلم بلند امروز (ضا میر کریمی) و قصه‌ها(بنی‌اعتماد) نمایندگان رسمی ایران در جشنواره تورنتو اسمال با اقبال خوبی از سوی مخاطبان کلدایی روپرور شده‌اند. روال جشنواره تورنتو به این شکل است که فیلم‌ها هم اکران عمومی و هم اکران ویژه برگزارنارند، ولی در نهایت فیلم برتر با انتخاب مردم، برگزیده خواهد شد. این روند هم خوبی‌هایی دارد هم بدی‌هایی. اهمیت و خوبی این قرآیند، اعتماد به رای مردم است. ولی مهم‌ترین بدی سپردن انتخاب به مردم، این است که فیلم‌های کمترشناخته‌شده و بدون ستارگان معروف، بخت کمتری برای بردن جایزه برتر جشنواره دارند. با این روند نباید انتظار داشت که مثلا کارهای نیمه‌مستقلی که از کشورهایی مثل ایران در جشنواره شرکت می کنند و در سطح جهانی زیاد تبلیغ نشده‌اند، جایزه‌ای ببرند. با این همه، آنچه در جشنواره تورنتو در ارتباط با کارهای سینمای ایران باید مورد توجه قرار داد، واکنش مردم به چنین فیلم‌هایی در خود تالار سینماست. این نکته از این‌و مهم است که اکثر فیلم‌ها در تالارهای کلاما پیر و با حضور کارگردان‌ها، همراه با جلسه پرسش‌وپاسخ برگزار می شود. هر دو فیلم نماینده ایران اکنون در بخش خبرنگاران اکران شده‌اند، ولی فقط فیلم امروز تاکنون یکبار اکران عمومی شده است. طبق جدول زمان‌بندی، قصه‌ها برای اولین‌بار روز پنجشنبه اکران شد. پیش از این، نمایش فیلم امروز در موزه هنرهای معاصر تورنتو و با شرکت جمع بسیار خوبی از هنردوستان تورنتویی برگزار شد. در ابتدای جلسه، رضا میر کریمی به معرفی فیلم مختصر پرداخت. در همان ابتدا میر کریمی از تماشاگران درخواست کرد که در هنگام برخورد با داستان به دنبال دلایل رفتاری شخصیت‌ها نباشند و آنها را بدون قضاوت، همان جور که هستند بپذیرند. توضیحی که موحی از سروسوز ناشی از تعجب و شگفت‌زدگی را در تالار به پا کرد. میر کریمی در بخش انتهایی به سوالات گوناگون حاضران جواب داد. در این بخش که حدود ۱۰ دقیقه به طول انجامید سوالات مختلفی پیرامون نقش فضا در فیلم، دلایل سکوت بازیگر نقش اول و کارکرد موسیقی مطرح شد. نکته جالب در این بخش، تفاوت نگاه بینندگان و منتقدان خارجی و ایرانی نسبت به فیلم بود. به طور مثال بیننده‌ای که خود را اهل اندونزی معرفی کرد، با این ادعا که فیلم هالیوودی است کار را بسیار موفق و متفاوت در سینمای ایران ارزیابی کرد. تشبیهی که موه‌های زیاد میر کریمی روپرور شد. بهقول میر کریمی، به نظر اکثر بینندگان ایرانی، ارتباط گرفتن با کارهای سینمای او دشوار است و از این رو بسیار متعجب شد که فیلم با کارهای هالیوودی مقایسه شده است!قصه‌ها را در بخش خبرنگاران به نمایش گذاشتند و اکران عمومی‌اش در تورنتو در حالی رخ داد که بلیت‌های این فیلم هم همانند کار میر کریمی تماما پیش‌فروش شده و تهیه بلیت آن حتی در بازار سیاه تورنتو هم مشکل بود؛ با کارت خبرنگاری هم به دشواری می‌شد بلیت فیلم را تهیه کرد. قصه‌ها که با جایزه بهترین فیلمنامه جشنواره ونیز به این جشنواره آمده بود، در بخش خبرنگاران بازتاب خوبی داشت. نمایندگان روزنامه‌های مختلف جهانی همگی کار فوق را اثری خوب و موفق ارزیابی کردند که نمونه‌ای از بازگشت بن‌اعتاد به روزهای اوج گذشته است. فضای لایه‌لایه قصه‌ها و ارتباط آن با مسایل سیاسی و اجتماعی ایران از دیگر نکات مورد بحث بود. بهجز کارهای ایرانی چند کار خوب در جشنواره اسمال به نمایش گذاشته شده است. از میان کارهای خوب اسمال در جشنواره می‌توان به ابرهای سیلس ماربا (اولیور اوسایلس)، دوروز و یکشب (ارادران داردن) و نقشه ستارگان (دیوید کراننبرگ) اشاره کرد. نکته جالب این فیلم‌ها، توجه زیاد به مسایل و مشکلات روز جهانی است. در ابرهای سیلس ماربا، ژولیت بیوتش مثل شب افتتاح کلساویس نقش هنرپیشه یابمسن گذاشته‌ای را بازی می کند که از آینده هنری خود در هالیوودی که به جوانی و طراوت اهمیت زیادی می دهد در هراس است. این فیلم دوست‌داشتنی است و موقعیت‌های غیرمنظطره و گوناگونی را برای پرسش پیرامون ماهیت فیلم و تفاوت معنایی نسلی آن و همچنین جایگاه ستارگان امروزی هالیوود و آینده آنها در نظام سرمایه‌داری مطرح می کند. در این روزها که عکس‌های خصوصی ستارگان هالیوودی را در فضای عمومی به نمایش گذاشته‌اند، دیدن «نقشه ستارگان» کراننبرگ بسیار دلپذیر است. کراننبرگ انتقادهای خود از سرمایه‌داری را در اینجا شدیدتر کرده و به شکل‌های مختلف به انتقاد از این نظام و تاثیر آن بر هالیوود پرداخته است. فیلم، سرشار از اشاره‌های جذاب و خنده‌دار به زندگی ستاره‌های هالیوود است. از مبحث سانسورلوزی تام کروز گرفته تا بخش شاهکار حضور پسر ۱۳ ساله و لوسی که رفتارهایی کلاما شبیه «جاستین بیلیر» کلدایی دارد. انتقاد از سرمایه‌داری در دوروز و یکشب داردن از همه کارهایی که در چندروز جشنواره دیده شده، واضح‌تر بود. فیلم به ماجرای دختری می‌پردازد که به‌طور غیبی و با رای منفی همکارانش از کار اخراج می‌شود و سرورز فرصت دارد که رای همکاران خود را عوض کند. در این فیلم برای اولین‌بار به برخورد مثبت و امیدبخش داردن‌ها به آینده رویهرو هستیم. لیختن آخر فیلم را می توان تلاشی برای تصور کردن دنیایی متفاوت، به حساب آورد. بهقول فردیک جیسمن، در فضای کلمل منفی‌ای که نسبت به خلق هرگونه بدیل در سرمایه‌داری بزرگ به چشم می‌خورد، وجود چنین لیختنهایی بی نهایت جذاب است.

«دانشجوی دکتری مطالعات فرهنگی و رسانه‌ای

فرانک آر تا: «سیاوش در جنگ دیدمان یک برج دورافتاده است و به دنبال فرصتی تا توانایی‌های خود را به بالادستی‌ها نشان دهد. او از این برج دورافتاده حیاتی‌ترین مختصات و جایگاه‌های دشمن را می‌بیند و فرصتی خوب برای اثبات خود یافته. اما با ورود شخصیتی خیالی تردیدهای زیادی برای سیاوش به‌وجود می‌آید و به یکباره اسن قدرت مطلق برای کشتن انسان‌ها برای سیاوش ترسناک می‌شود. این بخشی از داستان فیلم ملکه ساخته محمدعلی باشه‌آهنگر است که بعد از سه سال از ساخت حالا در شانزدهمین جشن خانه سینما برگزیده بدون رقیب این دوره است؛ اتفاقی که به اعتقاد بسیاری از منتقدان شاید همان سه‌سال پیش باید برای این فیلم و باشه‌آهنگر می افتاد و جایزه بهترین فیلم و بهترین کارگردانی را در جشنواره و سیام فجر کسب می کرد. باشه‌آهنگر پیش از ملکه با فیلم‌هایی مانند یسداری روپا و فرزند خاک نشان داده بود در مورد جنگ حرف‌های زیادی برای گفتن دارد.

حرف‌هایی که بخشی از آن را در ملکه گفت و از نگاه دیگری به جنگ نگریست. نگاهی که در دوره ریاست قبلی سینما روی خوش ندید و دچار سوءتفاهات زیادی شد. حالا باشه‌آهنگر بعد از سه‌سال انتظار سرانجام با ملکه، به حق خود رسیده است و فیلم برگزیده ۱۰ صنف سینمایی از مجموع صنف ۱۵اگانه سینما بوده است. پیش‌بینی‌های پیش از انتخاب اسامی نهایی هم، خبر از برتری ملکه می داد که شامل مهم‌ترین جوایز از جمله جایزه بهترین فیلم و بهترین کارگردانی بود. جایزه‌هایی که در دوره قبل به دربارہ الی اصغر فرهادی رسید. روز جمعه ۲۱شهریور روز شادی برای اهالی سینما و باشه‌آهنگر بود و او از این فیلم و انتخاب صنف سینمایی گفت.

❧ **با وجود ناگامی‌هایی که در این مدت برای فیلم «ملکه» به وجود آمد، نظرات درباره اینکه فیلمتان رکورد نامزدی جوایز را شکست و توانست ۱۰جایزه از جمله بهترین کارگردانی را دریافت چیست؟**

دوران سختی بود. البته در جشنواره فیلم‌فجر، در ۱۴ رشته کاندیدای دریافت جایزه نیز شد. اما در آن جشنواره اتفاقات ناگواری افتاد که دلم نمی‌خواهم به آن دوران فکر کنم. اما در جشن لندن منتقدان و نویسندگان سینمایی اوضاع بهتر شد. فیلم در ۱۷ رشته کاندیدا شد و در چهارشنبه کارگردانی، فیلمبرداری، موسیقی و بازیگر نقش مکمل تدیس دریافت کرد. در جشنواره مقاومت ما با وجود همه مشکلاتی که پیش آمده، برنده بهترین فیلم بخش بین الملل، دیپلم افتخر بهترین کارگردانی، بهترین بازیگر نقش اول، بهترین فیلمبرداری و کارگردانی، بهترین بازیگر نقش اول، بهترین فیلمبرداری و کارگردانی، شامگاه چهارشنبه ۱۹ شهریور خیابان‌های منتهی به میدان فاطمی، ترافیکی غیرمعمول داشت. رویروی تالار وزارت کشور تا ابتدای خیابان فاطمی صفی طولانی از مردم دیده می‌شد که آمده بودند شبی را با نای و نوا و موسیقی ایرانی سر کنند. جای کار نبود و ماشین‌ها باید دو، سه‌بار خیابان‌های حاشیه تالار وزارت کشور را دور می‌زدند تا بلکه جای پارکی پیدا کنند و بتوانند ساعتی را با ساز و صدای شوالیه آواز ایران بگذرانند.

دومین شب کنسرت شهرام نظری در حال آغاز شدن بود و خیلی زود سالن مملو از جمعیت شد! اما همچنان تا آخرین دقایق علاقمندانی بودند که به سالن اضافه می‌شدند و کنسرت موسیقی ایرانی با اندکی تأخیر با ورود اعضای گروه «مولوی» روی سن آغاز شد. ورود اعضا به سالن تشویق حضار در پی داشت. در همان دقایق اولیه و هم‌زمان با کوکشدن سازهای ایرانی، شهرام نظری روی سن آمد و مخاطبان سالن یکپارچه به احترام شوالیه آواز ایران ایستادند.

شهرام نظری دست‌زدن‌ها و تشویق مردم را با ادای احترام به آنها پاسخ داد و سپس مقابل تریبون قرار گرفت و به حضارن خیرمقدم گفت. این استاد آواز ایرانی سخنان خود را با ادای از درگذشتگان عالم شعر و موسیقی آغاز کرد: «اسمال سالی بود که مثل سال‌های پیش چند هنرمند بزرگ را از دست دادیم و من پوستم برنامه را با یاد آنها شروع کردم. با یاد سیمین بهبهانی، محمدرضا لطفی و دوفنر از هنرمندان کرد که به بازیگری در منطقه کردستان از میان ما رفتند؛ استاد علاالدین باباشهانی و عباس کمند»؛ نام سیمین بهبهانی تشویق‌هایی پی درپی علاقه‌مندان شعر و موسیقی ایران را به دنبال داشت. شب پیش در همین کنسرت، این استاد آواز «دوباره» سازهای وطن «سیمین‌لوی غزل ایران را بداهه اجرا کرده بود اما در شب دوم کنسرت، این اتفاق نیفتاد.

در آغاز، تصنیفی از آلبوم «ساقی‌نامه» با همراهی تار و تنبور و عود با این ملطع در سالن پیچید: «پریشان مدافعی ساقی کجاست/شرباب ز شب مانده باقی کجاست»؛ بعد از این تار شرق: درحالی‌که هنوز خبری از کمیته ایرانی انتخاب فیلم برای اسکار نیست؛ فیلم «چندمترمکعب عشق» به کارگردانی ونیوسدنگی جمشید محمودی و تهیه‌کنندگی نوید محمودی که در سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمده؛بعنوان نماینده کشور افغانستان به آکادمی علوم سینمایی آمریکا معرفی شد. این فیلم در ایران علاوه شده و درباره زندگی و کار افتخاری‌های مهاجر در ایران است. براساس اعلام آکادمی سینماگران افغانستان در بررسی نهایی، دوفلم «مردی در آرزوی زن پنجم» به کارگردانی صدیق عابدی و «چندمترمکعب عشق»، ساخته جمشید محمودی نامزد ارسال به اسکار بودند که «چندمترمکعب عشق» با بیشترین امتیاز برای معرفی به کمیته اسکار انتخاب شد. جمشید و نوید محمودی،

فیلم مشترک ایران و افغانستان به «اسکار» رفت

«چندمتر مکعب عشق» در راه «کداک تیاتر»

شرق: درحالی‌که هنوز خبری از کمیته ایرانی انتخاب فیلم برای اسکار نیست؛ فیلم «چندمترمکعب عشق» به کارگردانی ونیوسدنگی جمشید محمودی و تهیه‌کنندگی نوید محمودی که در سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمده؛بعنوان نماینده کشور افغانستان به آکادمی علوم سینمایی آمریکا معرفی شد. این فیلم در ایران علاوه شده و درباره زندگی و کار افتخاری‌های مهاجر در ایران است. براساس اعلام آکادمی سینماگران افغانستان در بررسی نهایی، دوفلم «مردی در آرزوی زن پنجم» به کارگردانی صدیق عابدی و «چندمترمکعب عشق»، ساخته جمشید محمودی نامزد ارسال به اسکار بودند که «چندمترمکعب عشق» با بیشترین امتیاز برای معرفی به کمیته اسکار انتخاب شد. جمشید و نوید محمودی،

هنر



محمدعلی باشه‌آهنگر، کارگردان «ملکه»:

جشن «خانه سینما» خستگی را از تن به‌در کرد

● بهترین جلوه‌های ویژه شد. اما جشن خانه سینما آن هم در اولین سال برگزاری پس از تعطیلی دوساله، خستگی را از تن تیم سازنده بیرون کرد. حتما می‌دانید که اسمال تولیدات سه‌ساله سینما مورد داوری قرار گرفت. این اتفاق برای فیلم «فرزند خاک» در سال ۱۳۸۷ هم رخ داد آن فیلم کاندیدای ۱۲ رشته بود.

❧ **سال گذشته زمانی که قرار بود فیلم‌ها از سوی کمیته انتخاب به مراسم اسکار معرفی شود، شما یکی از معترضان به آن فضا و نتایج بودید، چرا؟ در حالی که اعتراض‌تان هم چندان در رسانه‌ها انعکاس پیدا نکرد؟**

سال ۱۳۹۱ اسکار از سوی وزارت ارشاد تحریم شد. سال بعد گفتند فیلم «ملکه» چون در همان سال به عنوان فیلم دوم به اسکار فرستاده شده، دیگر نمی‌تواند به اسکار رایبه شود. من گفتم چنین چیزی واقعیت ندارد. اعتراض من به شرایط بوده نه به فیلمی خاص. همین!

● **کلا علت اینکه برخی فیلم‌ها در برهه‌ای از زمان نادیده گرفته می‌شوند و در دوره دیگر مورد توجه قرار می‌گیرند، چیست؟**

به نظر فهم فیلم‌ها در دوره خودشان مشکل است. اگر قایل باشیم که هنرمندان باید پیشرو و جلوتر از زمانه‌شان حرکت کنند، باید به این‌ها هم قایل باشیم که درک بسیاری از مفاهیم توسط دیگران سخت باشد. اما آن چیزی که ازآزادنده است، گاه حاشیه‌های قوی‌تر و مهم‌تر از متن می‌شود. متأسفانه این فضا برای «ملکه» خیلی شدید شد. اکران خوبی به آن ندادند؛ هفت‌سینما که دویسینمای آن تک‌سلس بود، هم‌زمان به فیلم دیگری ۸۶سینما در سطح کشور دادند. بلیت‌های آن فیلم را در تمام از گان‌ها و سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها به فروش رساندند. مناس را به دیدن فیلم بردند. اما برای «ملکه»، نه‌تنها حرکتی انجام نشد، بلکه در تبلیغات رسانه‌ای و خیابانی هم مانع‌تراشی کردند که فیلم دیده نشود؛ فیلمی که بهتر شود.



محمد علی باشه آهنگر

«شوالیه» در غیاب «حافظ» روی «سن»

ناظری حوالی فاطمی آتش به پا کرد

و سه‌تار و کمانچه و در پیشرو آنها سنستور حسین پرنیا هم‌آوا شدند و با اوج گرفتن این سازها صدای استاد ناظری نیز به اوج رسید و آخرین ابیات این غزل عرفانی به گوش رسید: «خدا را بجان خرابانیان/کزین تهمت هستیم و رها» سازها بار دیگر پرشور و پرحرارت نواختند و به استقبال اجرای تصنیف «لولیان» رفتند. تار و سنستور و کمانچه و عود، این‌بار در کنار دف و تنبک، ضرب گرفتند: «گر بی‌دل و بی‌دستم از عشق تو باستم/بس بند که بشکستم آهسته که سر مستم در مجلس حیرانی» سازها پس از دقایقی سکوت، پس از تک‌نوازی سنستور حسین پرنیا دوباره اوج گرفتند و این نغمه در سالن بزرگ وزارت کشور طنین انداخت: «بازای... بازای... بازای هر آنچه هستی بازای اگر کافر و گیر و بت‌پرستی بازای /در که ما در که نویمیدی نیست/ صد بار اگر توبه شکستی باز آ»؛ بعد از اتمام

انتخاب اول تماشاگران در جشنواره فجر هم بود. **کایا توجه به فوت تهیه‌کننده فیلم، اگر ملکه موفق به یک تدیس و دیپلم افتخر خلاصه شود، چه کسی این جایزه را- از نظر حقوقی - دریافت می‌کند؟**

به نظر من خانواده محترم آقای حسینی به عنوان وارث آن مرحوم صاحب جایزه هستند، البته جایزه اگر ارزش مادی داشته باشد اگر هم صرفا به یک تدیس و دیپلم افتخر خلاصه شود که البته ارزش و اعتبار معنوی و هنری خاص خودش را دارد، بازهم مشکلی پیش نخواهد آمد ضمن اینکه برادر کوچکش هم جانشین او در فیلم بود. خانواده آن مرحوم زحمت زیادی به هنگام ساخت فیلم متحمل شدند. مرحوم ابوالقاسم حسینی شش‌ماه دور از آنها در آبادان بود. بعد هم وقتی دیدند که اینقدر برایش زحمت کشیده شده و اتفاقا فیلم استاندارد می‌شود، به اجحاف می‌شود، بیشتر غمگین شدند.

❧ **آقای باشه‌آهنگر! باز هم سینمای جنگ را در**

فیلم‌سازی ادامه می‌دهید؟

سینمای جنگ، سینمایی مهم و دوست‌داشتنی است. اما شرایط فعلی به نظر سخت‌تر از همیشه شده است. بله، فیلم‌نامه‌ام آماده است. اما ارا‌داه‌ای که از این نوع سینما که تفاوتش بر همه آشکار شده است دفاع کند، تقریبا وجود ندارد.

❧ **وضعیت فعلی فیلمسازی را در ایران چگونه می‌بینید؟**

شرایط اقتصادی، وضعیت معیشتی هنرمندان را سخت‌تر از همیشه کرده است. بسیاری از هنرمندان بیکارند. این شرایط اجازه ساخت فیلم‌های استاندارد بین‌المللی را سخت کرده است. فقط چندفتری اجازه می‌یابند با هزینه‌های سنگین کار کنند. از طرفی فشار بر دولت و هنرمندان هم زیاد است. نه دولت پولی در بساط و نه بخش خصوصی توان تولید فیلم‌های شاخص را دارد. فقط فیلم‌های کم‌هزینه با لوکیشن‌های محدود و بازیگران خاص و البته طنز در سینما جواب می‌دهد. شنیدم که آقای رئیس‌جمهور ۱۰ (میلیارد دلار برای تثبیت آب در ایران اختصاص داده است. خشکسالی‌های آینده در ایران جدی است. دلم می‌خواهد به خشکسالی‌های احتمالی هنر و هنرمندان هم فکر کنند. شاید یک‌دهم این پول بتواند این سینما را چه از جهت زیرساخت و چه از نظر استاندارد سازی فیلم‌ها نجات دهد. هر چند به نظر سینما باید بتواند پول خودش را از گیشه دربیاورد. اما وقتی هیچ چیز در مدار و ریل خود حرکت نکند، سینما هم از این چرخه مستثنا نخواهد بود. می‌دانید که بودجه اسمال فرهنگ و هنر از سال‌های گذشته کم‌تر شده است. باید با همدلی این دوران سخت را پشت‌سر بگذاریم تا اوضاع بهتر شود.

● **سینمای جنگ، سینمایی مهم و دوست‌داشتنی است. اما شرایط فعلی به نظر سخت‌تر از همیشه شده است. بله، فیلم‌نامه‌ام آماده است. اما ارا‌داه‌ای که از این نوع سینما که تفاوتش بر همه آشکار شده است دفاع کند، تقریبا وجود ندارد.**

❧ **وضعیت فعلی فیلمسازی را در ایران چگونه می‌بینید؟**

سرشناس و بزرگان گرمی در تهیه آن مشارکت داشته‌اند. همه رسانه‌های مشهور خارج از کشور درمورد این اثر حرف زدند. اما متأسفانه در خود ایران درباره آن چندان سخنی بیان نشد و حتی به صورت ناقص هم منتشر شد. گاهی کارهای ماندگار در همان ابتدا خود را نشان نمی‌دهند اما به تدریج آشکار می‌شوند و این نشانگر ماندگاری یک اثر تاریخی است. بزرگان موسیقی جهان برای این اثر زحمت زیادی کشیده‌اند و بعضی از آنها صاحب چندین اسکار هستند. خوشبختانه این اثر در خارج از ایران به توفیقات زیادی دست پیدا کرد، یک‌ماه دیگر بناسات این اثر به طور کامل منتشر شود. بنا بود اسنب در این کنسرت با حضور ستاره‌های موسیقی جهان در این تالار، حافظ ناظری هم اجرا داشته باشد که حضور سازندگان آن آلبوم متأسفانه میسر نشد و به نوعی در یک توفیق اجباری من در خدمت شما هستیم»؛ بعد از استراحتی ۱۰دقیقه‌ای شوالیه آواز، به تار ساری در دست، یک‌ه‌تا:ز صحنه شد و با اجرایی بداهه «تو او من در چشم در راهم» نیما پوشیچ را به آواز خواند. پس از این، اجرای موسیقی مقالی کردی، شور و شوقی دگر در سالن برپا کردی و شهرام نظری پیش از اجرای این قطعات گفت: «موسیقی کرد و خود مناطق کردنشین به دلیل اصلاتی که دارند همیشه مورد استقبال قرار گرفته‌اند. کردها سختی‌های زیادی کشیده‌اند و این در موسیقی هم نمود دارد. نگهداری کردن از آداب و رسوم و همچنین ایستادگی کردن در مقابل اجانب از جمله این سختی‌ها بوده و باعث شده که موسیقی کردی به یک زبان بین‌المللی تبدیل شود»؛ بعد از اجرای پرشور قطعات کردی که همه حضاران اعم از کرد و غیر کرد را به وجد آورد، بود، پایان بخش شب به‌یادماندنی موسیقی ایرانی تصنیف خاطر‌مساز «آتش در نیستان»؛ سازها پس از دقایقی سکوت، پس از تک‌نوازی سنستور حسین پرنیا دوباره اوج گرفتند و این نغمه در سالن بزرگ وزارت کشور طنین انداخت: «بازای... بازای... بازای هر آنچه هستی بازای اگر کافر و گیر و بت‌پرستی بازای /در که ما در که نویمیدی نیست/ صد بار اگر توبه شکستی باز آ»؛ بعد از اتمام

با حرکت عروسک‌ها

جشن «مبارک» آغاز می‌شود

جواد دوقلقرای، احمد بهبهانی، کامبیز صمیمی مخفم رفته و یاد و خاطره آنها را گرامی داشتند. در این مراسم هنرمندانی چون فاطمه معتمدآریا، حمیدرضا اردلان، هنگامه مفید، عادل جزوده، پوپک عظیم‌پور و خانواده‌های هنرمندان فقید با حضور بر سر مزار هنرمندان با نثار گل یاد و خاطره هنرمندان را گرامی داشتند. برومند پسر مزار مرحوم صمیمی مخفم جشنواره «چطور می‌توانیم بدون صمیمی مخفم جشنواره را برگزار کنیم و شاد باشیم» او بر سر مزار «احمد بهبهانی» نیز گفت: «مرحوم بهبهانی از جمله نویسندگانی است که خیلی از آثار عروسکی را برای تلویزیون نوشته و این آثار ماندگار شده است. جای این نویسنده بسیار خالی است».

چهره روز

فاطمه معتمدآریا در «خانه سینما»:

ما سینما و مردم را نفر و ختمیم



● **شرق:** آخرین جشن، قبل از جشن بزرگ «خانه سینما» نکوداشتی برای فعالان و معماران سینمایی بود که به‌نوعی با میزبانی خانه سینما و حضور مسؤولان دولتی اتفاق افتاد. ششی که فاطمه معتمدآریا از سقف استوار خانه سینما گفت، معتمدآریا از امین تارخ گفت و او را جانشین محمد کوثر دانست. او به راه سخت سینما هم اشاره کرد: «کمتر از شش‌ماه است که پدرم را از دست دادم و درست روزی این اتفاق افتاد که بعد از سال‌ها ممنوع‌الکرای، سر کل بازگشتم و فکر می‌کنم که خیالش از بابت من راحت شد. اما امشب با حضور افرادی مانند انوار، ایوبی و بهشتی احساس کردم که دوباره پدر دارم. خانه سینما، خانه من است و من برای اولین‌بار زمانی که جوان بودم جایزه جوان‌ترین بازیگر را از این خانه دریافت کردم. من چچه این خانه هستم و در آن بزرگ شدم. خوشحالم که سقف این خانه نمی‌ریزد و این سقف محکم را مدیون سقف خانه سینما را فروزریختنی دانست: و صداقت ساختند، کسانی که ما را آدم‌هایی باشرافت تربیت کردند. ما هیچ‌وقت سینما و مردم را نفر و ختمیم این چیزی است که بعنوان کودک سینما یاد گرفتم و امروز که مادر سینما هستم آن را به‌خطر دارم. محمدرضا جعفری جلوه و فرشته طائرپور هم از امین تارخ گفتند و تارخ در سخنانی سقف خانه سینما را فروزریختنی دانست: «امشب بیشتر خوشحالم که این افتخر را دارم که در حضور همه دوستان از معماران عزیز سینمای ایران قدرانی کنم که اگر افرادی مثل فخرالدین انوار و سیمینمحمد بهشتی نبودند، امروز صاحب یک سینمای باشرافت و حرفه‌ای نبودیم.»محمود کلاری از مجید مسیحی گفت و حضور در بزرگداشتش را افتخاری بزرگ دانست. او با برشمرن خصوصیت‌های انسانی او باقی‌ماندن آرشپو عکسی را که امروز با موضوع انقلاب در تلویزیون وجود دارد مدیون او دانست. سیدمحمد بهشتی تقدیر از مسچی را نشانه بلوغ سینما دانست و حجت‌الله ایوبی از حق بزرگی که مسیحی به گردن سینمای ما دارد گفت. محمدهمدی سغریپور مدیر عامل خانه سینما هم که جایزه سیفاله‌داد را به او اهدا کرد با اشاره به تلاش‌های مسیحی گفت: «مجد مسیحی، جزو معدود مدیران فرهنگی کشور است که در استفاده از بودجه بیت‌المال درست عمل می‌کند و زمانی که مدیران این بودجه‌ها را درست هزینه نمی‌کردند او به خوبی این بودجه را مدیریت کرد است.»فرید مصطفوی که هفته قبل جایزه بهترین فیلمنامه جشنواره ونیز را برای فیلم قصه‌ها با رخشان بی‌اعتماد دریافت کرد، چهره دیگری بود که ابوالحسن داودی او را به‌عنوان نجیب‌ترین و محبوب‌ترین چهره پشت صحنه سینما نام برد. فرهاد توحیدی نیز او را تواناترین فیلمنامه‌نویس سینمای ایران دانست. حسین ملکی، فیلمبردار هم آخرین فردی بود که علیرضا زرین‌دست و محمدهمدی سجادی از او صحبت کردند، فیلمبرداری که از «اسپاوساید» شروع کرده و قرار است به سینمای «دیجیتال» بیاید.

خبر سازان

نخستین کتاب توقیفی دولت یازدهم

جزینی کتابش را

در اینترنت منتشر می‌کند

● **شرق:** جواد جزینی که می‌گوید کتابش نخستین توقیفی دولت یازدهم است به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یک‌ماه فرصت داد تا سرنوشت کتابش را روشن کند. در صورت تایید این حکم قصد دارد کتاب را در فضای مجازی برای استفاده عموم منتشر کند. او کتابی به نام «واقعیت پیری‌دری‌ای» را توسط ناشر ثالث به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای بررسی داده که شامل ۲۵داستان کوتاه است. این ۲۵داستان از سوی اداره کتاب غیرقابل چاپ تشخیص داده شده‌اند. وی به «شرق» می‌گوید: «تعدادی از کتاب‌هایی که در دوران مجازی قبلو نگرفتند در این دوره بررسی شده و مجوز گرفته‌اند، او می‌گوید: «نیمی از این داستان‌های کوتاه با مضمون جنگ نوشته شده و باقی نیز به نوعی داستان‌های واقع‌گرای اجتماعی است و نگاهی خانوادگی دارد. بخشی از این داستان‌ها پیش از این در نشریات منتشر شده بود و ۱۰ داستان کوتاه از آن نیز تا به حال منتشر نشده است» او با اشاره به این نکته که به‌نظر می‌رسد اتفاقاتی که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رخ داده و بیشتر اصلاحات سطحی بوده است، می‌گوید: «کسانی که در حوزه ممیزی تصمیم‌گیرنده هستند همان افراد قبلی هستند که هدفشان این است که نویسندگانی چون من از نوشتن دلسرر شویم» اما جزینی با اشاره به امکاناتی که در حال حاضر در دسترس نویسندگان وجود دارد، می‌گوید: «ممیزی نمی‌تواند ما نویسندگان را دلسرد کند. به این دلیل که راه‌های زیادی در جهان امروز وجود دارد که نویسنده می‌تواند کارش را منتشر کند. یکی از این راه‌ها استفاده از فضای اینترنت و فضای مجازی است. سیاست‌های غلط و نامفهوم از موضوع نوشتن هنوز هم ادامه دارد؛ منتها باید دوستان این را هم بداندند که فضای امروز تکنولوژی اجازه نمی‌دهد که از چپ کتابی جلوگیری شود. قصه من به دست مخاطب‌اش خواهد رسید».